



۲۰۱۸/۰۱/۰۲



عبدالحسین حکیم

اظهارات شاهدان عینی

از کودتای خونین هفت ثور تا تجاوز بی شرمانه قشون سرخ

بخش پنجم و اخیر

این داستان یک جنگ ظالمانه ایست که در آن نیروهای ابر قدرت اتحاد شوروی ده سال متداوم با مقاومت مردم افغانستان رو به رو بودند. آثار این جنگ خانمانسوز هنوز هم اینجا هر روز احساس می شود. این داستان یک جنگ بیپرده ای است که چهره دنیا را تغییر داد. به خاطری که بفهمیم که چگونه بحران افغانستان به یک معطله مهم بین المللی تبدیل شد، باید به تاریخ مراجعه کنیم.



اولیویه روو (Oliver Roy) متخصص امور سیاسی برای افغانستان :

«اکثریت این اعراب سلفی هابی بودند که در پهلوی جهاد علیه شوروی به دعوت به سوی عقاید سلفی نیز می پرداختند. ولی رهبران مجاهدین با "عبدالله عزام" (عالم الهیات فلسطینی تیورین جهاد سرتاسری به سطح جهان کسی که سازماندهی همه مجاهدین خارج از افغانستان را از پاکستان رهبری می کرد) به توافق رسیدند که مجاهدین داوطلب خارجی را از مردم دور نگهدارند. آنها در قرارگاه ها جابجا شدند و وظیفه شان تنها جنگیدن در جبهات بود.» به این ترتیب مقاومت افغانی به یک جهاد سرتاسری مبدل شد. در این وقت در کوه های افغانستان شخصی ثروتمندی به نام "اسامه بن لادن" از خاندان "آل سعود" در جهاد علیه کفار شهرت پیدا می کند. هنوز جهاد برای واشنگتن درد سر ایجاد نکرده، برخلافش در سال ۱۹۸۳ رونالد ریگن رسماً دخالت امریکا را در قضیه افغانستان اعلام کرد.

شش تن از افغانها به نمایندگی مجاهدین با رئیس جمهور امریکا "رونالد ریگن" ملاقات میکنند، ریگن در باره مهمانان افغان چنین اظهار می نماید: «شش مجاهد افغان مهمان ما هستند» و اضافه می کند:



«این خانم جوان حاضر پنج ماه متداوم در توقیفگاه روس ها شکنجه شده»
«خانم این مرد پیش چشمانش کشته شده» او سابق قاضی بود.

اینها اینجا آمده اند تا به جهان آزاد گزارش دهند که در افغانستان چه رخ داده و چه می گذرد.
"ریگن" به این حالت مخفی خاتمه داده و رسماً اعلام می کند که امریکا همه تقاضا های مجاهدین را برآورده ساخته و همه امکانات را در اختیار شان قرار می دهد.
بدین ترتیب نقش و موقف امریکا در برابر اشغال شوروی در افغانستان واضح می شود.

میلتن بیردن (Milton Bearden): «مقررات تغییر کرد هدف ما این نبود خونریزی شوروی ها را ببینیم یا اینکه برای شان ویتنام خلق کنیم. "ریگن" بعد از رسیدن به قدرت مشترکاً با رئیس سی. آی. ای. "کیسی" اعلام کرد که ما می خواهیم در این جنگ پیروز شویم. "کیسی" مرا به دفترش خواست و به من گفت که شما به افغانستان بهتر بگوییم به پاکستان می روید، ما می خواهیم پیروزی را ببینیم»
هر دو بلاک جنگ سرد را دوباره آغاز نمودند. در جنگ نیابتی امریکایی ها شروع به تجهیز مجاهدین کرده و شوروی می خواهد که در کابل تظاهرات علیه امریکا را سازماندهی دهد.

میلتن بیردن (Milton Bearden):

« شما تصور کنید "لئونید بریژنف" دستور تجاوز به افغانستان را داد ولی مدتی تیر نشده بود که مرد، "اندروپوف" قدرت را نگرفته بود که مرد و "چرینکو" هم به همین ترتیب. بعد از آن میکائیل گرجپوف" به قدرت می رسد، او باید قطعات محدودی را به افغانستان گسیل کند، در حالیکه قبلاً در تصمیم گیری این دستور دخیل نبوده است»
در جریان سه سال از سال ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۵ سران قدرت در شوروی سه بار چلنج شدند گارد سابق آتش افروز در بیروی سیاسی تقریباً کاملاً از صحنه دور شد. وقتیکه "میخائیل گورباچف" در سال ۱۹۸۵ به قدرت می رسد، او کاملاً مصمم است که به زودی باید جامعه شوروی را تغییر داد، البته این آغاز "پیرسترویکا" یا اصلاحات بود.

گورباچف به اصلاحات در بخش های سیاسی و اقتصادی آغاز می نماید، ولی مهمترین اقدام او در باره افغانستان است.

میخائیل گورباچف (Mikhail Gorbachev): « من یک کتابچه یادداشت داشتم که در آن چیزهای مهم را می نوشتم که فراموش نکنم، من حوادث را مختصراً می نوشتم، اولین چیزی که در کتابچه یادداشتم نوشته بودم، آن تطبیق یک سیاست عملی در باره افغانستان و آمادگی برای خروج نیروها از افغانستان بود. این مطالب را فقط پیش خود نوت گرفته بودم ولی با هیچ کس در این باره گپ نزده بودم.»

ناتالیا گیورکیان (Natalia Gevorkyan)

ژورنالیست بخش سیاسی: متخصص امور امنیتی پوهنتون جورج واشنگتن:

« گورباچف در یک موقف بسیار حساسی قرار داشت. او دیگر پول نداشت، عساکرش را از دست داده بود و از همه



مهمتر حمایت مردم را هم در این جنگ از دست داده بود. در مرحله گلزنوست (شفافیت یا فضای باز) همه مردم از حوادث دلخراش در افغانستان خبر می شدند.»

« در سال ۱۹۸۵ برای اولین بار به خبرنگاران اجازه داده شد که در باره اقدامات جنگی کنندک های ما در افغانستان چیزی بنویسیم از همین تاریخ به بعد ما توانستیم بنویسیم که عساکر ما در افغانستان جان های خود را از دست می دهند و افراد که مدال هالی قهرمانی بدست آورده اند از نام های شان یاد آوری شود.»

اولین نتیجه پرسترویکا در شوروی آزادی بیان بود، آهسته آهسته مردم شوروی عواقب این فاجعه را درک می کنند. گرجیوف می داند که وی این فاجعه را باید ختم کند او این را هم خوب می داند که اول با کی گپ بزند.»

میخائیل گورباچف (Mikhail Gorbachev): «در سال ۱۹۸۶ در یک ملاقات به ژنیو رسماً، به رئیس جمهور ریگن گفتم: «شما رئیس جمهور هستید، شما این را به یافت که ما نیروهای خود را از افغانستان بیرون می کنیم و این تصمیم ما جامه عمل خواهد پوشید.» ایالات متحده یک شریک بسیار مهم ما و همزمان طرف مهم مخالف ما هم بود. ما می خواستیم که آنها از این مطلب مطلع باشند. من می توانم که به اطمینان بگویم که همه چیزهایی که ما تعهد نموده بودیم، عملی هم کردیم.»

سویتلانا ساورنسک (Svetlana Savranskaya) متخصص امور امنیتی پوهنتون جورج واشنگتن :

«اما ایالات متحده آمریکا اصلاً در این رابطه همیاری نمی کرد، زیرا اکثریت امریکائی ها می خواستند خصوصاً بعد از به قدرت رسیدن ریگن، شوروی را در افغانستان در حالت خونریزی ببینند. حکومت ریگن به خروج قوت های شوروی از افغانستان تمایل نداشت بلکه هدف اصلی شان شکست مفتضحانه شوروی در افغانستان بود.»

میلتن بیردن (Milton Bearden): «من باید دفعه‌ای این برنامه را در سال ۱۹۸۶ بدوش می‌گرفتم. "کیسی" مرا به دفترش خواست و گفت: «من می‌خواهم که شما آنجا بروید و پیروزی نصیب شوید، من یک میلیارد دلار به شما می‌دهم، کافیست؟»

پرسیدم یک میلیارد دلار؟، این مقدار پول در آن زمان بسیار معلوم می‌شد و به من گفت که شما می‌توانید راکت‌های ستنگر را داشته باشید، ستنگر نتیجه خوبی داده بود، در آخر به من گفت: «ما پیروز خواهیم شد» راکت‌های مشهور ستنگر خط سیر جنگ را تغییر داد، این راکت‌ها خیلی سبک و توسط شانه انتقال می‌شد، به این ترتیب یک نفر می‌توانست به تنهایی خود از زمین یک هلیکوپتر یا طیاره جیت را هدف بگیرد. با وجودیکه شوروی خروج نیروهایش را صراحتاً اعلام نموده بود، با آنهم امریکائی‌ها بین ۵۰۰ تا ۲۰۰۰ راکت ستنگر را به مجاهدین فرستاد.

دگروال رستم (Colonel Rostam) افسر «غند مسلمان»:

«ما این را خوب احساس کردیم زمانیکه امریکا مجاهدین را مسلح ساخت چه از لحاظ نوعیت و چه هم از لحاظ کیفیت» در سال ۱۹۸۶ راکت‌های ستنگر و راکت‌های دافع هوا و قابل انتقال ظاهر شد.

اولیویئه رووه (Oliver Roy) متخصص امور سیاسی برای افغانستان:

«از راکت‌های اول در سپتامبر ۱۹۸۶ در جلال آباد استفاده صورت گرفت، سه هلیکوپتر روسی توسط این راکت‌ها سقوط کردند، روس‌ها در حدود ۱۰۰۰ هلیکوپتر خود را از دست دادند.» با آمدن ستنگر مجاهدین توانستند قشون سرخ را با اولین شکست روبرو نمایند.» در سال ۱۹۸۶ مسکو تصمیم می‌گیرد و کارمل را با محمد نجیب الله تعویض می‌نماید، کسی که به عقیده مسکو حالات را بهتر کنترل کرده خواهد توانست. گورباچف می‌خواهد که سیاست پریسترویکا را در افغانستان هم تطبیق کند، هدفش یک مصالحه ملی بین مردم افغانستان است.

Richard Perle: مشاور سیاسی ریگن:

«ما در آنزمان شوروی را زیر فشار خیلی جدی گرفتیم، امروز می‌دانیم که شوروی در آنوقت در حال فروپاشی بود. بدون شک، شکست ننگین شوروی در افغانستان چه از لحاظ روانی و چه هم از لحاظ سیاسی یک جزء مهم این فروپاشی شمرده می‌شود. جنرالان شوروی از دیر زمانی می‌دانستند که در این جنگ پیروز نمی‌شوند، به همین خاطر با سران مجاهدین خصوصاً احمد شاه مسعود تماس‌های مخفی گرفتند تا با او مذاکره کنند». احمدشاه مسعود تمام قسمت شمال را در کنترل خود دارد، راهی که از آن طریق نیروهای شوروی عبور و مرور میکنند.»

صحبت سالنگی:

«روس‌ها چندین بار به ما مراجعه کردند و خواهشاتشان را پیشکش کردند. به ما گفتند: «قوت‌های ما افغانستان را ترک می‌کنند، به ما وعده بدهید که در وقت خروج در قسمت سالنگ که در کنترل شماست مزاحم ما نشوید.» من خوب به یاد دارم آنروز را که با قوماندان نظامی شوروی "گروموف" که چهل تانک او را بدرقه می‌کرد، در دره سالنگ ملاقات نمودم. "گروموف" به من چهارده پیشنهاد را داد تا به قوماندان مسعود برسانم.»

با وجودی که اردوی افغانستان بار بار قوتش را به نمایش می گذارد، با آنهم رئیس جمهور نجیب الله احساس آرامش ندارد، زیرا او بعد از خروج قشون سرخ با سران مجاهدین سر و کار خواهد داشت، آنها مخالفین نگران کننده سیاسی برای نجیب الله گردیده اند.



بعد از اینکه نیرو های شوروی موفق شدند با قوماندان مسعود برای مدت خروج نیرو های شان به یک آتش بسی نایل شوند، قوماندان می گیرند که مسعود را ضربه محکمی بدهند. این امر یک عمل سیاسی بود.

جنرال والرئ واسترننتین:

«من فکر می کنم که نجیب الله از طریق "شواردنازه" وزیر خارجه به ما این پیام را رساند که حرکات مسعود را محدود بسازیم. نجیب الله می فهمید که بعد از خروج ما با مقاومت مستقیم مسعود روبرو می شود، کسی که یک سیاستمدار قدرتمندی بود.

همه نظامیان مخالف عملیات علیه مسعود بودند، این عملیات برای ما ناممکن بود، وقتی که ما مشغول کشیدن نیرو های خود باشیم، چطور می توانیم همزمان یک نبرد کشنده و بی رحمی را انجام بدهیم، بالاخره ما همیشه با اینها (وابستگان احمدشاه مسعود) همکاری مشترکی داشتیم، باهم چای می خوردیم و همیشه از خروج نیروها قصه می کردیم، ما به آنها موفقیت را آرزو داشتیم ولی در حقیقت ما در پی نابودی آنها هستیم. اما امر امر است، تصمیم گرفته شده بود، ما فقط در عمل پیاده اش کردیم.

باوجود مخالفت بخش نظامی، حاکمان سیاسی در اجرای آن پافشاری داشتند، به اینترتیب تقاضای نجیب الله برآورده شد.

من خودم شاهد و سهیم در این حوادث بودم. عملیات مسما به تایفون قشون سرخ ۴۸ ساعت دوام نمود از ۲۴ تا ۲۶ جنوری ۱۹۸۹ مواضع مسعود بمبارد میشه که در نتیجه اضافه از ۶۰۰ مجاهد جان های شان را از دست می دهند. به خاطر این جنگ متداوم مسعود عقب نشینی نموده و از آخرین حمله اردوی سرخ دفاع نمی کند. این یک اشتباه بزرگ بود، همچو اقدامات نه از لحاظ بشری و نه هم از لحاظ سیاسی و نظامی قابل توجیه بود. واقعاً تصمیم خوبی نبود، یک بی آبرویی، در اخیر مسعود مقاومت هم نشان نداد و ما را ماند که به پیش هم برویم.»

صحبت داکتر عبدالله: «این عملیات هیچ ضروری نبود، روس ها می توانستند که صلح آمیز از ساحه برآیند. ولی جنگ در نقاط دیگر افغانستان بین مجاهدین و قوت های شوروی ادامه داشت. روس ها از این عملیات ظالمانه هیچ چیزی به دست نیاوردند. من نمی فهمم که آنها چه فکر می کردند، غیر از اینکه مردم بی گناه را به قتل رساندند. این حادثه خونین مدت زیاد وجدان های جنرالان شوروی را مشغول خواهد کرد.»

General Rouslan Aoushev:

«با این آخرین نبرد شرم آور این جنگ مصیبت بار به پایان می رسد. تجاوز شوروی در سرتاسر دنیا اشغال افغانستان نامیده می شود، در حالیکه کرملین هنوز هم از فرستادن قطعات محدود به افغانستان صحبت می کند.»

گورباچف: «هدف اصلی من این بود که بالاخره این جنگ را به پایان برسانم، فرستادن نیروها به افغانستان تصمیم غلطی بود ولی خروج نیروها بسیار مهم و درست بود.»

بیلانس این جنگ خانمانسوز بسیار خوفناک است

یک اعشاریه دو میلیون افغان جان های شان را از دست دادند، ۱۵ هزار تلفات طرف شوروی، شش میلیون پناهنده/ یک کشور کاملاً تخریب شده. کشور که به گورستان امپراتوری ها شهرت دارد، متأسفانه که جنگ هنوز هم در این کشور به پایان نرسیده است، این جنگ نه تنها اینکه جهان را تغییر داد، بلکه جنگ دیگری را باعث شد که خاتمه اش نا معلوم است.



پایان

بخش اول ، دوم ، سوم و چهارم این مطلب مهم و تأریخی را با فشار بر لینک ذیل مطالعه کرده می توانید:

بخش اول

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Hassib_hakim_coudetaesaor_ta_tajaawoz_shorawi_۱.pdf

بخش دوم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Hassib_hakim_coudetaesaor_ta_tajaawoz_shorawi_۲.pdf

بخش سوم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Hassib_hakim_coudetaesaor_ta_tajaawoz_shorawi_۳.pdf

بخش چهارم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Hassib_hakim_coudetaesaor_ta_tajaawoz_shorawi_۴.pdf